روزنامه صبح ایران
فرهنگی ـ اجتماعی ـ سیاسی ـ اقتصادی
صاحب امتیاز: سازمان خبرگزاری جمهوری اسلامی
نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ **تلفن:** ۸۸۷۶۱۷۲۰ ـ **روابط عمومی:** ۵ـ۸۸۷۶۹۰۷۴
نشانی: تهران ـ خیابان خرمشهر ـ شماره ۲۱۲ **صندوق پستی:** ۵۳۸۸ـ ۱۵۸۷۵
شمارگان: (چاپی) ۳۶۰۰۰۰ **چاپ:** افست، بانک ملی، چاپ گستر، پیشگامان، کاراپیام و گلریز
شمارگان اینترنت: ۱۰۰۰۰۰ (بازدید روزانه) **نشانی اینترنت:** www.iran-newspaper.com
ارتباط با شبکه اینترانت Tel: 021 88890000 user:iran pass:iran
سازمان شهرستانها و توزیع: ۸۸۴۱۵۸۴۹ و ۸۸۴۱۵۷۲۷ ـ **امور مشترکین** (آبونمان): ۸۸۴۱۷۷۱۵ و ۸۸۴۱۵۸۶۶
آگهی ها: ۷ـ۸۸۷۴۸۸۲۰ **نمابر:** ۸۸۷۶۹۰۰۱
ایران پیام (نیازمندیهای روزنامه ایران): ۵ـ ۸۸۷۴۸۸۰۱

اذان ظهر ۱۲/۰۸ ـ اذان مغرب ۱۸/۴۵ ـ اذان صبح فردا ۴/۲۰ ـ طلوع آفتاب فردا ۵/۴۷

لوح

به راستی که چیزی در زمین و آسمان بر خدا مخفی نیست
سوره آل عمران آیه ۵

روی خط خبر

شاعر زباله ها در پاییز

محمد احمدی کارگردان فیلم «شاعر زباله ها» گفت: این فیلم پاییز امسال به نمایش در می آید. شاعر زباله ها همچنین همزمان با ایران در کره و ژاپن نیز به روی پرده خواهد رفت.

سالنهای تئاتر

تالار مولوی با تعمیرات و بازسازی سالنهای جدید فعالیت سال جاری خود را بعد از تعطیلات آغاز خواهد کرد. این تالار میزبان جشنواره نمایشهای عروسکی دانشجویی نیز خواهد بود.

آغاز جشنواره استانبول

بیست و پنجمین دوره جشنواره فیلم استانبول جمعه آغاز به کار کرد. فیلم «سیمای زنی در دوردست» از علی مصفا در بخش مسابقه این جشنواره و بابا عزیز (ناصر خمیر)، آفساید (جعفر پناهی) و کافه ترانزیت (کامبوزیا پرتوی) در بخشهای دیگر به نمایش در می آید.

فیلمبرداری گریز

حسین جعفریان فیلمبردار فیلم «گریز» گفت: از حاصل کار احساس رضایت می کنم و به نظرم اثری یکدست، هماهنگ و خوب شده باشد.

یک پنجره

ناصر صفاریان

۱ تعارض عقل و دل در راهیابی به حقیقت، همواره در آثار پیشینیان مورد اشاره قرار گرفته. طوری که به گفته بزرگان، فیلسوفان هم تا جایی که به فلسفه مشغولند از درک «تجلی جهان در یک زبان» محرومند. براساس این گفته ها و نوشته ها، هرچند کشف ارتباط های عقلی خوب است، اما به جایگاه کشف بی واسطه نمی رسد. در واقع این نگاه بی واسطه، مرتبه ای است والاتر و اشاره ای به سرآغاز کشف حقیقت.

این همان چیزی است که بعدها به سینمای ما هم راه باز کرد و جریان مهمی از سینمای ایران با تکیه بر همین عرفان شکل گرفت. در گذر زمان، یک بار «سینمای دینی» نامیده شد و حالا به «سینمای معناگرا» شهره است. مشکل ساختاری این سینما هم بسته به مکان یا مکان های وقوع حوادث، نوعی سینمای جاده ای است که حتی اگر شکل ظاهری سفر و راه و جاده هم در آن وجود نداشته باشد، به دلیل حرکت گام به گام و منزل به منزل قهرمان داستان، می توان به تعبیر سفر و حرکت رسید. البته چیزی که باعث می شود فیلمی را در این گروه قرار دهیم، سفر درونی و رسیدن به باور جدید توسط آدم یا آدم های فیلم است.

و حالا فیلم بسیار خوب «خیلی دور، خیلی نزدیک» - که به مناسبت نوروز از تلویزیون پخش شد ـ یکی از همین فیلم هاست. این اثر ارزشمند، هم سفر بیرونی دارد هم درونی. آدمی از یک جا حرکت می کند تا به جایی دیگر برسد، و در دل این سفر، آگاهی بیشتری کسب می کند. اما این فیلم، از تمام آثار پیشین متفاوت است.

پیش از این هرچه دیده بودیم، یا تحول ناگهانی ـ و حتی غیرناگهانی اما نه چندان قابل باور ـ بود یا تأکیدهای بسیار آشکار بر نشانه های خاص و جمله های بامفهوم برای اشاره به فضای موردنظر.

ولی این جا اینگونه نیست. و به همین دلیل، «خیلی دور، خیلی نزدیک» را می توان غیرشعاری ترین فیلم از این جنس و از این گروه دانست. دلیلش هم شکل روایت است. نه با سینمای ضد قصه موسوم به هنری و جشنواره ای روبرویم تا با تکیه بر ضرباهنگ کند و نماهای ثابت و نابازیگران ماجرا پیش برده شود، نه با آدم های عارف مسلک و اهل دل ـ و حتی عاشق پیشه. و نه قهرمان داستان، خارج از چارچوب شخصیتی و شناختی که فیلم از او ارائه می دهد دست به کاری می زند. همه این ها هم به این دلیل است که فیلم بر مبنای چارچوبی شکل گرایانه بنا نشده تا همه اجزا ـ از آدم ها گرفته تا اشیا ـ شکل تمثیلی شان بر وجود واقعی شان غلبه کند.

فیلمساز برای بیان داستانش از قالب ملودرام استفاده می کند. وقتی قرار باشد با احساسات تماشاگر سروکار داشته باشی و حتی بعضی جاها تا درآوردن اشکش پیش بروی، دیگر جایی برای فاصله گذاری های اینگونه فیلم ها باقی نمی ماند. پس هر فاصله ای حذف می شود تا فیلمساز داستانش را تعریف کند.

اگر «خیلی دور، خیلی نزدیک» را در سینما ندیده اید و تماشایش از تلویزیون را هم از دست داده اید، می توانید آنرا از طریق شبکه های ویدئویی تهیه کنید، به تازگی وارد بازار ویدئویی شده.

۲ سال ۲۰۰۷ از سوی یونسکو سال مولوی نامگذاری شده.
این هم یادی از او
اول به هزار لطف بنواخت مرا
آخر به هزار غصه بگداخت مرا
چون مهره مهر خویش می بافت مرا
چون من همه او شدم بینداخت مرا

سیمپسون ها به سینما می آیند

گروه فرهنگ و هنر- کمپانی فوکس قرن بیستم اعلام کرده است که قصد دارد فیلمی براساس مجموعه کارتونی خانواده سیمپسون ها تولید کند.

این فیلم قرار است در سال ۲۰۰۷ به اکران درآید. فیلم سینمایی خانواده سیمپسون ها یک پیش نمایش بیست و پنج ثانیه ای داشته که امسال در نمایش افتتاحیه فیلم کارتونی «عصر یخبندان» تولید جدید کمپانی فاکس برای تماشاگران به نمایش در آمد.

در این فیلم بیست و پنج ثانیه ای هومر سیمپسون (پدر خانواده سیمپسون ها) روبه تماشاگران می گوید «من فراموش کردم چی باید بگم». مجموعه خانواده سیمپسون ها طولانی ترین و پر طرفدارترین سریال تلویزیونی در ایالات متحده و سراسر جهان است.

ماه گذشته هفدهمین فصل و آخرین فصل از این مجموعه به نمایش در آمد و کمپانی فوکس قول داده که دو مجموعه دیگر نیز از این سریال تولید کند البته مت گرواینینک خالق سیمپسون ها سال گذشته گفت: این مجموعه تا هنگامی که من و همکارانم ایده های تازه داشته باشیم ادامه پیدا خواهد کرد.

سه فیلم کوتاه و مستند ایرانی در بلگراد

پنجاه و سومین جشنواره فیلم های کوتاه و مستند بلگراد از ۱۱ تا ۱۵ آوریل برگزار می شود.

بخش بین المللی این جشنواره که از رویدادهای باسابقه دنیا در این زمینه است، شامل رقابت فیلم های مستند، کوتاه داستانی، انیمیشن و بخش پانوراماست و سه فیلم کوتاه و مستند ایرانی را در سه بخش به نمایش می گذارد.

بر اساس این گزارش، مستند اینانا (سودابه مجاوری) در رقابت فیلم های مستند، همسفر خاموش (الهام حسین زاده) را در رقابت فیلم های کوتاه داستانی و مستند حیدر، یک افغانی در تهران (بابک جلالی) را در بخش پانوراما پذیرفته است.

جشنواره بلگراد در مجموع یازده جایزه رسمی اهدا می کند که از این تعداد، چهار جایزه در بخش بین المللی توزیع می شود.

علاوه بر دو بخش رقابتی ملی و بین المللی، امسال چشم انداز انیمیشن های کانادا، مرور جشنواره اتاوا در سال ۲۰۰۵، بزرگداشت ولادیمیر پتریچ از بخش های ویژه جشنواره بلگراد است.

صنعتی مرد مجسمه و نقاشی درگذشت

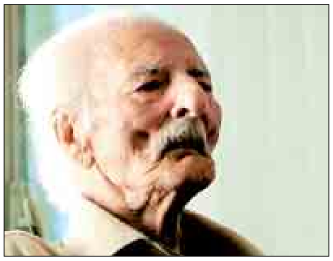

گروه فرهنگ و هنر: استاد علی اکبر صنعتی مجسمه ساز و نقاش برجسته، صبح دیروز در سن ۹۰ سالگی درگذشت. محمدحسین صفار هرندی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز طی پیامی درگذشت این هنرمند را تسلیت گفت. در این پیام آمده است: «آثار این نقاش و مجسمه ساز برجسته ایران و چهره نگار هنری کشور در تاریخ هنر ایران ضبط خواهد.»

استاد صنعتی از دو سال پیش به علت سکته مغزی قدرت تکلم خود را از دست داده بود و نیمه چپ بدنش نیز فلج شد. علی اکبر صنعتی در سال ۱۲۹۵ در شهر کرمان به دنیا آمد. پدرش پس از جنگ جهانی اول بر اثر طاعون درگذشت و مادرش هم به علت تهیدستی به خاطر نگرانی آینده فرزندش، او را به مرحوم حاج علی اکبر صنعتی ـ مؤسس پرورشگاه صنعتی کرمان ـ سپرد. صاحب پرورشگاه قصد داشت کودکان تحت سرپرستی خود را به مدرسه بفرستد. اما آنها نام خانوادگی نداشتند و نام خانوادگی خود را بر آنها نهاد. صنعتی جوان بعدها در مدرسه کمال الملک تهران هنر را بیشتر آموخت و سر کلاس اساتیدی چون طاهرزاده مینیاتوریست، ابوالحسن صدیقی و محمد حیدریان نشست.

از این مجسمه ساز و نقاش که از مؤسسان موزه مردمی میدان امام خمینی(ره) است آثاری نظیر مجسمه های مرد زندانی، زن بینوا، کمال الملک، سوته دلان، گاندی و نیز تابلوهای موزائیکی از سنگ و تابلوهای رنگ و روغن به جای مانده است. استاد صنعتی در زمستان سال گذشته در آیین بزرگداشت نام آوران عرصه های مختلف کشور در شمار منتخبان فرهنگستان هنر قرار گرفت. پیکر این هنرمند صبح روز چهارشنبه ساعت ۸/۳۰ تشییع می شود، محل تشییع هنوز مشخص نشده است.

اواخر فروردین ماه برگزار می شود

بزرگداشت عطار در ایران و قطر

گروه فرهنگ و هنر ـ مراسم بزرگداشت عطار نیشابوری شاعر نامی ایران ۲۴ و ۲۵ فروردین ماه برگزار می شود.

این مراسم پنجشنبه ۲۴ فروردین ماه با برگزاری مراسم شب شعر آغاز می شود و صبح جمعه ۲۵ فروردین ماه نیز با سخنرانی تقی پور نامداریان با موضوع جنبه های عرفانی عطار، آفاق بای بردی با موضوع هلموت ریتر مترجم آلمانی آثار عطار، ابراهیم قیصری با موضوع مکررات نامکرر در آثار عطار و مسعود تاکی با موضوع داستان های عطار پی گرفته می شود.

این مراسم در فرهنگسرای فردوسی نیشابور و با همت استانداری خراسان رضوی و اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی این استان برگزار می شود. میزگرد تحلیل و بررسی آثار و اندیشه های عطار، برپایی نمایشگاهی از آثار این شاعر اجرای موسیقی مقامی از دیگر بخش های این مراسم در فرهنگسرای سیمرغ خواهد بود.

منطق الطیر خوانی در آرامگاه عطار، پرده برداری از تندیس هلموت ریتر، به صدا درآوردن زنگ عطار در مدارس از جمله برنامه های این مراسم در نیشابور خواهد بود.

بنابراین گزارش مراسم ویژه ای نیز از سوی رایزنی فرهنگی کشورمان در قطر برگزار می شود.

نام و نسب عطار، محمد ابی بکر ابراهیم بن اسحق، کنیه اش ابوحامد، لقبش فریدالدین و شهرتش عطار نیشابوری است. ولادتش را اختلاف نظرهایی از ۵۱۳ تا ۵۴۰ هجری نوشته اند. عطار در واقعه نیشابور به دست مغول ها به شهادت رسیده است.

آثار او عبارتند از: الهی نامه، اسرارنامه، جواهرنامه، خسرونامه، شرح القلب، مصیبت نامه، مقامات طیور یا منطق الطیر، دیوان قصاید و مختارنامه که مجموعه رباعیات اوست.

نمایی از فیلم هوو

سرگذشت سینمای ایران در نوروز ۸۵

گروه فرهنگ و هنر: فیلم های سینمایی نوروزی پس از پایان تعطیلات نوروزی همچنان به نمایش خود ادامه می دهند. به جمع این فیلم ها ازدواج به سبک ایرانی (حسن فتحی) نیز افزوده خواهد شد. پیش تر قرار بود ازدواج به سبک ایرانی از یازدهم فروردین روی پرده برود که به تعویق افتاد و از چهارشنبه این هفته، شانزدهم نمایش خود را آغاز می کند.

هوو (علیرضا داوودنژاد) و یک تکه نان (کمال تبریزی) دو فیلمی هستند که اکران خود را از دوم فروردین آغاز کردند و پخش آن را شرکت پخش فیلمیران به عهده دارد. هوو با در اختیار داشتن ۱۴ سینما توانسته به فروشی معادل ۵۰ میلیون تومان دست یابد. یک تکه نان نیز فروشی معادل ۱۵ میلیون تومان داشته است.

در هوو رضا عطاران، محمدرضا داوودنژاد، رضا داوود نژاد و... ایفای نقش می کنند. این فیلم داستان مردی متمول را روایت می کند که به دنبال یک زندگی عاشقانه است. یک تکه نان نیز روایت یک معجزه را برعهده دارد.

در کنار این دو فیلم زیر درخت هلو (ایرج طهماسب) و چهارشنبه سوری (اصغر فرهادی) نیز به نمایش خود ادامه دادند. البته به دلیل تعویق در اکران فیلم ازدواج به سبک ایرانی برخی سینماهایی که با این فیلم قرارداد داشتند به نمایش فیلم های اکران دوم مشغول شدند. اما در کنار نمایش این فیلم ها فیلمبرداری فیلم های گریز (نیکی کریمی)، نیوه مانگ (بهمن قبادی) و سنگ، کاغذ، قیچی (سعید سهیلی) نیز در ایام نوروز به پایان رسید. قرار بود هفتم فروردین ماه فیلمبرداری میم مثل مادر اثر جدید رسول ملاقلی پور آغاز شود که ظاهراً فیلمبرداری آن به ۱۷ فروردین ماه موکول شده است.

لوکیشن این فیلم در منطقه امیرآباد تهران مراحل پایانی آماده سازی را پشت سر می گذارد. تمرین موسیقی فیلم نیز به مراحل پایانی خود رسیده است.

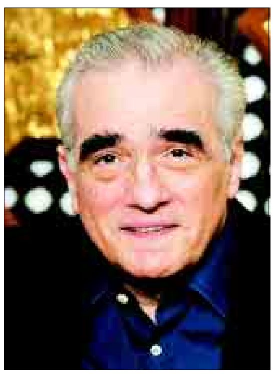

تقدیر از اسکورسیزی در سیلورداک

گروه فرهنگ و هنر: از مارتین اسکورسیزی کارگردان صاحبنام سینما در جشنواره سیلورداک تقدیر به عمل خواهد آمد.

این جشنواره که به اختصاص به سینمای مستند دارد، روز بیست و پنج خردادماه امسال از مارتین اسکورسیزی به خاطر چهل سال فعالیت در سینما تقدیر می کند. اسکورسیزی در کارنامه خود چند فیلم مستند دارد که از آنها به عنوان جواهرهای دنیای مستند یاد می کنند. همکاری در فیلمبرداری و تدوین فیلم ووداستاک، فیلم آخرین والس، مستندی درباره موسیقی بلوز و آخرین اثر او با عنوان No difection home مستندی درباره باب دیلن نمونه هایی از آثار مستند او هستند. گزیده ای از آثار مستند اسکورسیزی نیز در این جشنواره به نمایش درخواهد آمد و خود او نیز در میزگردی درباره شیوه کارش توضیح خواهد داد. چارلز کانینگهام نویسنده و منتقد بزرگ سینما نیز در جلساتی به تشریح آثار اسکورسیزی می پردازد. جشنواره سیلورداک از سیزدهم تا هجدهم ماه جون برگزار خواهد شد و بیستمین سالگرد تأسیسش را با حضور اسکورسیزی جشن خواهد گرفت. هوانورد، دارو و دسته نیویورکی، گاو خشمگین، دوستان خوب، جنوب شهر و... از ساخته های مختلف این فیلمساز صاحب سبک هستند.

نمایش دو فیلم از امامی در لندن

گروه فرهنگ و هنر- دو فیلم ایرانی ساخته ایرج امامی کارگردان ایرانی مقیم لندن برای نخستین بار در بریتانیا به روی پرده رفتند.

«وقت چیدن گردوها» و «رو به غروب» که هر دو در ایران ساخته شده اند، برای نخستین بار به ترتیب در روزهای ۱۹ و ۲۶ مارس در سینمای چلسی لندن به نمایش عمومی در آمدند.

«وقت چیدن گردوها» نخستین ساخته بلند سینمایی- داستانی ایرج امامی، داستان طلبه جوانی به نام لطیف است که برای مرور دروس مذهبی خود در محیطی آرام، به مقبره امامزاده ای در روستایی دورافتاده می رود.

وقت چیدن گردوها در سال ۱۳۸۱ به تهیه کنندگی حسن جلایر با شراکت سیمای جمهوری اسلامی ایران ساخته شد. اگر چه تلویزیون اواسط کار از تهیه کنندگی کار انصراف داد.

علت کناره گیری تلویزیون ایران از تهیه فیلم بنا به گفته خود کارگردان، درخواست برای توقف کار و فیلمبرداری مجدد فیلم بوده است که با توجه به اینکه بیش از نیمی از کار، فیلمبرداری شده بود، کارگردان پیشنهاد تلویزیون ایران را رد می کند و باقیمانده فیلمبرداری و مراحل فنی را با تهیه کننده خصوصی ادامه می دهد.

وقت چیدن گردوها که در آن بازیگرانی چون پارسا پیروزفر و لادن مستوفی نقش آفرینی می کنند در دومین نوبت نمایش روز شنبه اول آوریل در سینمای تراسایکل در شمال لندن به نمایش در می آید.

«روبه غروب» دیگر فیلم امامی بوده که در تهران به صورت ویدئویی فیلمبرداری شده است.

داستان این فیلم درباره مردی است که کیفش را که حاوی مقدار زیادی پول است در پی حادثه ای گم می کند. محمد، کودکی از مهاجران افغان در ایران که همراه عمویش در تهران از راه جمع کردن زباله امرار معاش می کردند، کیف را می یابد. او غافل از اینکه محتوای کیف چیست به قصد استفاده آن به عنوان کیف مدرسه، آن را به خانه می برد. محمد که بی سواد است سعی می کند در کنار گذران زندگی خواندن و نوشتن را نیز فرا گیرد.

پس از چندی عموی او باز داشت و زندانی می شود و محمد که شغل و سرپناهش را از دست داده چاره ای جز بازگشتن به افغانستان ندارد. او به وطنش باز می گردد و تنها چیزی که با خود دارد کیفش است.

هدیه تهرانی، محمد عطری و سیامک امامی بازیگران اصلی فیلم روبه غروب هستند. این فیلم روز یکشنبه دوم آوریل در سینمای ترایسایکل به نمایش در خواهد آمد. قرار است رو به غروب که در لندن به شیوه ویدئویی نمایش داده می شود، برای نمایش وسیع تر به فیلم ۳۵ میلیمتری تبدیل شود.

نخستین فیلم بلند ایرج امامی یک فیلم عروسکی است به نام ابراهیم در گلستان که نزدیک به بیست سال پیش در ایران ساخته شده است. این فیلم در واقع نخستین فیلم بلند عروسکی تاریخ سینمای ایران محسوب می شود.

استقبال از موسیقی ایرانی در لندن

گروه فرهنگ و هنر- کنسرت بهاره گروه موسیقی سنتی «سایه» در لندن با استقبال ایرانیان مقیم انگلیس و علاقه مند به فرهنگ و هنر ایرانی روبرو شد.

گروه چهار نفره سایه که دو عضو آن در لندن و دو عضو دیگر آن در ایران اقامت دارند در «تالار برونئی» دانشکده مطالعات شرقی و آفریقایی دانشگاه لندن (سوآز) با برنامه ای که آن را «روایتی نو از موسیقی کهن ایران» نامیدند، تحسین مخاطبان خود را برانگیختند.

در ابتدای برنامه تقارن برگزاری این برنامه با آغاز بهار طبیعت، عید نوروز باستانی ایرانیان و آغاز ماه ربیع الاول و موسم میلاد حضرت محمد(ص) گرامی داشته شد.

این برنامه در مجموع در ۱۸ بخش و در دو قسمت برگزار شد که در قسمت اول سه قطعه تک نوازی، سه قطع آوازی و سه تصنیف در ماهور، چهار مضراب و بیات اجرا شد. تصنیفهای این بخش «بیداری»، «به سراغ من اگر می آیی» و «عاشق و دیوانه بمان» نام داشتند.

فرشچیان با «غدیرخم» به ایران بازگشت

محمود فرشچیان با دو اثر تازه اش، تا نیمه بهار سال جاری به تهران بازمی گردد.

این هنرمند نقاش و مینیاتوریست در حال به پایان رساندن دو اثر تازه به نام های «غدیر خم» و «توفان مقدس» - ماجرای به صلیب کشیدن حضرت عیسی مسیح(ع) ـ است. وی در این آثار تصاویر و جمعیت را از پشت سر به نمایش درآورده است. «غدیر خم» ابعادی حدود ۱۰۳ در ۸۰ دارد و «توفان مقدس» ۸۳ در ۵۶ سانتی متر است. این آثار قرار است به موزه فرشچیان در مجموعه فرهنگی ـ تاریخی سعدآباد بروند. این استاد ۷۶ ساله اصفهانی که در حال حاضر مقیم ایالت نیوجرسی آمریکاست، در فاصله سال های ۱۳۲۷ تا ۱۳۷۳ در ۸۳ نمایشگاه گروهی شرکت و ۵۱ نمایشگاه انفرادی برپا کرده است.

سراج در مسکو آواز خواند

گروه موسیقی سنتی ایرانی «بیدل» به رهبری «سید حسام الدین سراج» جمعه شب در محل استودیو شبکه رادیویی «کولتورا» (فرهنگ) روسیه، کنسرت موسیقی اجرا کرد.

این کنسرت دو ساعته به صورت مستقیم نیز از این رادیو برای شنوندگان آن پخش شد. در این برنامه که با استقبال خوبی از سوی روسها مواجه شده بود، قطعاتی از جمله اشعار وحشی بافقی، حافظ و مولانا جلالدین، به صورت آواز و همراه با موسیقی اجرا شد.

قطعاتی نیز بصورت تکنوازی یا گروهی اجرا شد که بشدت مورد توجه و استقبال حضار و شنوندگان قرار گرفت.

محمود فرهمند، کورش بابایی، شهرام میرجلالی، مسعود حبیبی و رامین کاکاوند، با نواختن تنبک، کمانچه، بربت، دف و سه تار و خوانندگی «سراج» اعضای گروه «بیدل» را تشکیل می دهند. «در این سفر سه برنامه اجرا می شود که یکی از آنها در محل رادیو فرهنگ، و دو برنامه دیگر در سالن «چایکوفسکی» و نیز موزه «پیروزی» خواهد بود» دو برنامه نخست برای روسها و اتباع کشورهای دیگر ساکن مسکو و برنامه سوم نیز روز سیزده فروردین برای ایرانیان مقیم پایتخت روسیه خواهد بود.

مستند ایرانی در جشنواره مستند سازمان ملل

یک مستند ایرانی در دومین جشنواره سالانه فیلم های مستند سازمان ملل متحد به نمایش درمی آید.

به گزارش پایگاه خبری فیلم کوتاه این جشنواره که با نام «داستان هایی از زمین» طی دو روز ۲۲ و ۲۳ آوریل ۲۰۰۶ در نیویورک برگزار می شود، ۱۶ اثر از کشورهای مختلف را در بخش آزاد خود پذیرفته است که یکی از آنها «عیدز، ایران ۱۳۸۴» (کمال بهار و محمد احسانی) است. بر اساس این گزارش، ۲۱ فیلم هم در بخش فیلمسازان سازمان ملل به نمایش درمی آید که در دفاتر مختلف این سازمان تولید شده اند. دو مستند بلند و نیمه بلند هم در بخش نمایش های ویژه به نمایش درمی آیند. این جشنواره همزمان با شصتمین سال تأسیس سازمان ملل متحد و برای انعکاس اهداف توسعه هزاره سازمان ملل برگزار می شود.

این اهداف عبارت اند از: ریشه کنی فقر و گرسنگی، دستیابی به آموزش ابتدایی در جهان، ترویج برابری جنسیتی و استقلال زنان، کاهش مرگ و میر کودکان، بهبود سلامت مادران، مبارزه با ایدز، مالاریا و سایر بیماری های فراگیر، حفاظت از محیط زیست و پیشرفت مشارکت جهانی در توسعه.

گفتنی است ۱۸۰ فیلم از ۱۶ کشور متقاضی شرکت در دومین جشنواره مستند سازمان ملل بودند. همچنین به گزارشی دیگر جشنواره بین المللی فیلم های مستند فول فریم امسال برنامه جنبی خود را به نخستین نمایش مستندهایی درباره توفان کاترینا اختصاص داده است. این جشنواره در دورهام در ایالت کارولینای شمالی آمریکا برگزار می شود و معمولاً برنامه جنبی اش به آثار فیلمسازان جنوب آمریکا تعلق دارد، اما امسال در این برنامه ۹ مستند درباره توفان مرگبار کاترینا که سال گذشته خسارت ها و تلفات بسیاری بر جا گذاشت، به نمایش درمی آید. از جمله این مستندها می توان به چشمی در توفان (نیل الکساندر) اشاره کرد که یک خاطره نگاری ویدئویی درباره مسیر حرکت مخرب کاترینا است، همچنین نهر صحرا گزارشی است از انتقال ۶۰۰ آفریقایی-آمریکایی به ایالت یوتا در شب وقوع کاترینا. جشنواره فول فریم ششم آوریل (هفدهم فروردین) با نمایش مستند طرح های فرانک گری ساخته سیدنی پولاک گشایش می شود.

با تو می گویم

قانون طبیعت در این است که با طلبیدن خوشبختی، آزادی و آسایش دیگران، به خواسته خود برسید.

رلف والدو امرسن

گفت و گو

امروز با...

منیرالدین بیروتی

گروه فرهنگ و هنر ـ سایر محمدی: «تک خشت» نخستین مجموعه داستان منیرالدین بیروتی در سال ۸۲ از سوی انتشارات ققنوس به بازار آمد و جایزه بهترین مجموعه داستان اول بنیاد گلشیری را از آن خود کرد.

منیرالدین بیروتی متولد ۱۳۴۹ لیسانس بازرگانی دارد و هفته گذشته رمان «چهار درد» را توسط انتشارات ققنوس چاپ و منتشر کرده است. وی هم اکنون یک مجموعه داستان به اسم «دارند در می زنند» را در دست چاپ دارد. و یک مجموعه داستان هم که هنوز نامی برایش انتخاب نکرده آماده دارد. ضمن این که رمان جدیدی در دست تألیف دارد که می خواهد نام آن محفوظ بماند.

*** کتاب «تک خشت» گویا برنده جایزه بهترین مجموعه داستان شناخته شد، فکر می کنید چه عناصری در این اثر سبب شد که به عنوان بهترین مجموعه برگزیده شود؟**

من فکر می کنم به هر حال در داستان های این مجموعه خصوصیاتی ویژه دیده بودند که آن را به عنوان بهترین مجموعه داستان سال ۸۲ انتخاب کرده اند. اما عمده ترین دلیلی که می توانم نام ببرم، عناصری غیر از زبان در گزینش این کتاب دخیل بوده است. یعنی ویژگی زبانی این اثر نبود که مورد توجه قرار گرفت. چون بعد از انتشار کتاب خیلی ها به لحاظ زبان این اثر از من ایراد گرفتند و گفتند زبان سختی دارد.

مطمئناً به لحاظ این زبان، کتاب برنده جایزه نشد. شاید انتخاب این داستان ها به خاطر مضامین و موضوعاتی بود که در نوشتن انتخاب کرده ام. دلیل دیگر می تواند فرمی باشد که در برخی از داستان ها به کار گرفتم و برای عده ای این فرم ها جالب بود.

*** یعنی در داستان نویسی به فرم بیشتر گرایش دارید؟ نوعی فرمالیسم که....**

گرایش به فرمالیسم ندارم ولی خیلی وسواس دارم روی انتخاب فرم در یک داستان. فرم هایی که تاکنون انتخاب نشده و در داستان ها به کار گرفته نشده است. حالا تا کجا دراین زمینه موفق باشم امری جداگانه و قابل بررسی است. ولی این وسواس مثل وسواس زبان همیشه با من است.

*** در نویسندگی چه دغدغه ای دارید؟**

من به لحاظ نویسندگی بیشترین دغدغه های ذهنی ام جامعه است. درگیر رابطه فرد با جامعه، این که فرد چگونه می تواند خودش و فردیت خودش را تعریف کند. مشکلاتی که بر سر راه انسان قرار می گیرد، بیشتر ذهن مرا مشغول خود می کند. چون خودم همیشه درگیر این مسائل و مشکلات بوده ام.

*** رمانی که به اسم «چهار درد» اخیراً منتشر کرده اید، حول چه مسائلی دور می زند؟ و چرا اسم «چهار درد» را انتخاب کرده اید؟**

واقعیت این است که «چهار درد» اصطلاحی است که مربوط به شهر زادگاهم می شود و شهری که این رمان در مورد آن نوشته شده است.

«چهار درد» اصطلاحی است که مادربزرگ ها برای آخرین مرحله درد هنگام تولد نوزاد به کار می برند. در اصطلاح عام هم گاهی گفته می شود که فلانی چهار ستون بدنش لرزید. البته اصطلاح چهار درد مربوط به یک شهر و یک منطقه خاص نمی شود. یک اصطلاح قدیمی است که بیشتر مادربزرگ ها به کار می برند.

*** در مورد مضمون خشونت در رمان «چهار درد» چه می گویید؟**

من در جایی بزرگ شدم که از همان دوران کودکی خشونت را از نزدیک تجربه کرده ام و آن را لمس کرده ام.

بعد از انقلاب هم خشونت دیده ایم. در دانشگاه هم به شکلی خشونت بود. خشونت انگار همیشه با ما بوده است و با آن زندگی کرده ایم. حتی خشونت های دوران کودکی هم همیشه پیش چشم من بوده است.

*** روایت اصلی این رمان را می توانید برای مخاطبان توضیح بدهید؟**

هسته مرکزی این رمان داستان یک عشق است، ولی یک عشق معمولی بین یک دختر و پسر نیست. موضوع اصلی، عشق بین یک خانواده است و تحت لوای همین عشق جنایت های فراوانی صورت می گیرد.

در واقع عشق نوعی بهانه است، برای روایت زیرپوستی یک شهر. در جامعه ای که حتی عشق به عنوان عنصری لطیف، بهانه فوق العاده خوبی می شود برای اعمال یک نوع خشونت فوق العاده وحشتناک. هسته اصلی و مرکزی رمان «چهار درد» این است.

*** در نوشتن این رمان چقدر دغدغه فرم ویژه داشتید؟ این رمان به لحاظ فرم با آثار منتشر شده این سال ها چقدر متفاوت است؟**

والله هنگام نوشتن این رمان آن قدر دغدغه فرم متفاوت داشتم که آن را شش بار بازنویسی کردم. در مقدمه کتاب هم تاریخ و مدت این بازنویسی ها را نوشتم. دقیقاً مدت ۹ سال برای نوشتن این رمان وقت صرف کردم. مدت هفت سال هر شب حدود هفت ساعت روی این رمان کار کردم این به دلیل بازنویسی های مکرر بود.

و در هر بازنویسی هم فرم دچار دگرگونی می شد و تکمیل می گردید. هر بار چیزی به آن اضافه می کردم و چیزی از آن کم می کردم تا شکل نهایی اش را پیدا کند. فکر می کنم در میان آثاری که خوانده ام، فرم رمان «چهار درد» فرم ویژه ای است که در هیچ یک از آثار ندیده ام. ولی فکر می کنم به صورتی از مثنوی متأثر بوده ام و از کتاب «فرج بعد از شدت» وام گرفته باشم. به لحاظ شکل خیلی وامدار این دو اثر هستم.

*** مجموعه ای که تحت عنوان «دارند در می زنند» در دست چاپ دارید، مربوط به چه دوره ای از کار شماست؟**

این مجموعه حدود چهارده داستان دارد. با توجه به صحبت هایی که شده قرار است دو داستان را حذف کنم. سه داستان این مجموعه مربوط به دورانی است که کتاب «تک خشت» را می نوشتم و نتوانستم این سه داستان را چاپ کنم. بقیه داستان ها هم مربوط به بعد از این دوره می شود که از سال ۸۱ شروع و به ۸۴ ختم می شود.

فروش نخستین اثر وارهول

تابلوی نقاشی «کنسروهای سوپ کمپل» اثر اندی وارهول اردیبهشت ماه آینده از سوی «اروینگ بلام» در حراجی کریستی به قیمت ۱۰ تا ۱۵ میلیون به فروش گذارده می شود.

روزنامه نیویورک تایمز نوشته است که این تابلو که نخستین اثر این نقاش بوده، متعلق به سال ۱۹۶۲ است در بخش فروش آثار پس از جنگ و هنر معاصر در نیویورک به فروش گذارده می شود.

این تابلوی طبیعت بی جان، که ۲۰ در ۱۶ اینچ است، پیش از آن که وارهول به تجربه تکنیک های چاپ چرمی بپردازد، خلق شده است.

برت گرووی، رئیس مشترک بخش آثار هنری پس از جنگ و معاصر در حراجی کریستی در این باره گفت: دراین تابلو او از تکنیک هایی همچون «trompe loeil» استفاده کرده است. این تابلو یک شاهکار است. کسی از این نمونه آثار ندارد.

«بلام» که بسیاری از آثار هنری سبک پاپ این هنرمند را طی سال های اخیر به حراج گذارده، از سال ۱۹۶۷ صاحب این اثر است.

یک قرن پیش، موزه هنر مدرن در نیویورک تابلوی «کنسروهای سوپ کمپل» را از «بلام» به قیمت ۱۵ میلیون دلار خرید. آن زمان این رقم بالاترین قیمتی بود که برای یک اثر هنری معاصر پرداخته می شد.